تفسیر رب العالمین آورده که ملائکه چندین نوعند هر نوعی از ایشان یک علامت
اعمار و کیفیت عبادات ایشان نرسد و در مفاتیح الفتوح در
بعضی از کروبیان و حجاب هم از ایشان و حملهٔ عرش و سکنهٔ کرسی و ملائکه سدره و ملائکه هر آسمان و سفره و برره و کرام الکاتبین
و ملائکه سیاحه که در تحت آسمان اول میروند و می‌آیند و ملائکه هوا که موکلند برابر و رعد و برق و باران و ملائکه بحار و ملائکه روی زمین و ملائکه
هر طبقه از طبقات ارض و ملائکه که مومنان را از شیاطین محافظت مینمایند و ملائکه که در حلقها ذکر و مجالس علم حاضر میشوند و ملائکه
ارحام و ملائکه الهام که القاء خواطر کنند و حفظه که اطفال را نگه میدارند و ملائکه قبور چون منکر و نکیر و اتباع ایشان و ملائکه قبض
که اعوان عزرائیل اند و ملائکه رزق که اتباع میکائیلند و ملائکه لوح که اتباع اسرافیلند و جنود جبرئیل ع و ملائکه اولی اجنحه و ملائکه
که خزنهٔ بهشتند از اعوان رضوان و ملائکه که خزنهٔ دوزخند از متابعان مالک و ملکه که خدام اهل بهشتند و ملائکه ربانی که خدام
اهل دوزخند و غیر اینها هر یک عالمی اند که عقل هیچ دانا و فهم هیچ توانا بکنه اطوار و غور احوال ایشان نرسد و رای اینها
ونشناسند که کیفیت احوال ایشان معلوم نیست در کتاب نسیم الارواح میگوید که حضرت رسالت در شب قرب کرامت
جمعی را از ملائکه دید میان عرش و کرسی افتان و خیزان و واله و حیران میرفتند از جبرئیل ع استفسار حال ایشان نمود جبرئیل ع گفت
که ای سید مرا بر کماهی حالات ایشان وقوف نیست اما گمان می برم که مشتاقان جمال حضرت‌اند از شوق دیدار مست
گشته از عرش بکرسی می آیند و از کرسی بعرش میروند و ازین نوع ملائکه بسیارند اینها همه یک صنفند از اصناف مخلوقات که
از مائدهٔ دعوت نواله تربیت می یابند بیت همه از فیض نعمت عامش ؛ لقمه خواران خوان انعامش ؛ آنچنان فیضشان
رسد بعموم که نمانند هیچ یک محروم اما جنیان قومی اند مخلوق از آتش و پدر ایشان را جان گویند چنانکه پدر ما را آدم و جوا
خوانند در کلمه آورده که حق سبحانه و تعالی فرشتگان را از نور آفریده و جنیان را از نار و از توریه چنان معلوم میشود که ایشان
نیز در اصل فرشته بودند خدای تعالی شهوت را بر ایشان داد و ایشان را بگوبت روی زمین فرستاد و نسل ایشان در زمین بحد
کثرت انجامید و چنانچه در اخبار آمده است که ایشان هفتاد قبیله شدند و هر قبیله هفتاد گروه و هر گروه هفتاد هزار کس در تفسیر
کبیر آورده که جن اجسام هوایی اند قادر بر تشکل باشکال مختلفه و ایشان را عقول و افهام است و بر مباشرت اعمال صعب و افعال
درشت توانایی دارند و میان ایشان نیک و بد باشند چنانچه در میان آدمیان و هر کدام خیریه و نورانیه بر ایشان غالبست
مسلمان جن اند و ایشان را پری خوانند و در عرف هر کدام مظهر خباثت و ظلمت و آزار میشوند مردمان جن اند ایشان را دیو گویند
و جمعی گفته اند شیاطین نوعی اند از مکلفان و دون جن ‌اند جن است که ایشان اشرار جن‌اند قال الله تعالی شیاطین الانس والجن
و جنیان نیز اقسامند قسمی در ورای قاف منزل دارند خارج اقالیم سبعه و با آدمیان نیامیزند و جمعی در پیش کوه قاف
ساکنند و با قالیم سبعه آمد و شد میکنند و با مردم مختلط می‌شوند و مساکن ایشان نیز مختلف است گروهی بر لب آبها و مساکن
نزه و بوستانها و باغها و فرقه در بیابانها و نهایی آب و ویرانها و مواضع تیره و تاریک و مجموع دیوان که اشرار قومند فرمان بردار
ابلیس باشند و جایها و در جزیره اخضر است نزدیک بقاف او را او لاد و اعوان بسیارند و تمام بر پایان و در تحت حکم ملک عطا اند

که منزل او

که منزل او در وسط کوه قافست و جانب شرقی از قاف در تصرف خواهرزادهٔ او سطاش و او پانصد هزار بنده دارد که هر یکی پیشوای
جمعی اند از جنیان مشرق و طرف غربی متعلق بعبدالرحمن جنی دارد که داماد عبدالقادرست و حضرت رسالت پناه این جن را
بدین نام خوانده در وقت اسلام چنان و شرح این قضیه بر سبیل استیفا مذکور خواهد شد و سه هزار پادشاه در فرمان عبدالرحمن اند
که هر یک از ایشان حاکم قومی اند از جن مغرب و از شیاطین چون مناع و اسفار مغربی و تسخیرات سراجی معاقد الجن چنین معلوم میشود
که نام پادشاه اسلام از جن طلوخوش است بلقیه ایشان و معنی او سلیم النفس باشد و قوم او آدمیان را اعانت دست
دارند و ملک ترسایان از جن لبسیدیوش خوانند یعنی پرستندهٔ روح و حاکم جهودان را از ایشان جلطوانش نام است
یعنی بر اندازندهٔ سحر و در شامل سگاکی گوید که پادشاه همه زنان و دختران جن را ام الجن خوانند و او در ظلمات نشیند بر سر چشمه
که منبع آب حیاتست و در شامل طبسی می آورد که ملک جنیان هند فقطس است و او پادشاهی با جاه و با شوکتست و آنچه گویند
فقطس است و خلیفه و قهرمان او و ملک را افقطوس خوانند و سندیان نیز از ملوک هنداست بملازمت شیث علیه السلام رسیده
و از وعهد نامه فرا گرفته در میان مسلمانان از جن ائمه پیشوا چون ابوفروه و ستوره و دوماج و قیس و ابو ملک که ایشان
صاحب مذهبند و از ایشان فروتر مجتهدانند چون ابوالعباس عبدالشهاب و سرداران لشکر جن بسیارند چون جبکر و عقرمر
و سمعکان و میشران مملکت نیز باشند چون عملیق و موقش و غیر ایشان و این حشیه در ترجمهٔ صور بکلکشاه آمده که جن چهار
قسمند فلکیه و قطبیه و فردوسیه و بمیه و اکابران شهر ایشان جبل زتمند و اسماء ایشان تعداد میکنند و خواص منافع هر طایفه
آن مرتب میسازد و ذکر آنها را در مقصود و مقصد مدخل حاصل سخن آنکه جن جماعتی عظیمند از عالمیان و بعد از آن نزد اکثر از محققان
ثابت شده که بنو آدم ده یک پریانند پس تامل باید کرد که از زمان آدم حوا الی یومنا هذا چه مایه مردم بوده اند از انبیا و اولیا
و صدیقان و شهدا و علما و حکما و ملوک و سلاطین امرا و وزرا و حجاب و نواب و سپاهیان و پیشه وران و پیاده و سفید
و بنده و آزاد و مقیم و غریب حضری و بدوی مومن و کافر و صالح و طالح و زاهد و فاسق و آشنا و بیگانه و عارف و عامی و صحیح
و مریض و زشت و زیبا و دراز و کوتاه و خورد و بزرگ و جسیم و نحیف و وضیع و شریف و پیر و جوان و دانا و نادان و اوضاع
و اطوار و اقوال افعال ایشان باید اندیشید که در کثرت بچه مثابه بوده است و قصه جنیان را ده برابر آن خیال باید بست
تا دانسته شود که در فضای قدرت چه میدانهاست و در عرصهٔ هر میدان از فارسان مراکب هستی چه جولانها بیت
بمیدان قدرت ترا تا ببینی ؛ ز هر کو ز جمعی علم بر کشیده ؛ بجولان ایشان نگه کن هر یک ؛ بنوعی ز جلوه بر گزیده ؛ اما دیوان
نیز گروهی بزرگند در تفسیر منابع از ابوهریره روایت میکنند که ایزد سبحانه و تعالی خلق را پیدا ده جزو آفرید و ایشان را ده جزو ساخت
نه جزو ملائکه جزو دیگر را به بخش کرد دیوان و پریان و باز جزو دیگر را منقسم گردانید جانوران و یکی را میان آدمی را
صد و بیست و پنج قسم کرد و صد بخش از آن با قضای بلاد هند جای داد و شش نوع سالوخ و غیر آن ده از ده قسم را در بلاد روم
متوطن گردانید چون آن جوجه و ماجوج و امثال ایشان و شش طایفه را بنهایت طرف شرقی فرستاد چون یاجوج

Copyright © King Saud University